

افزایش دارایی‌های خارجی

بررسی‌های آماری بانک مرکزی نشان می‌دهد که بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی در یک‌سال ۲۲/۹درصد افزایش یافته است. به گزارش «تسنیم»، طبق اعلام بانک مرکزی، بدهی بخش غیردولتی هم ۱۱۴۹۶/۷ هزار میلیارد ریال است که نشان‌دهنده ۱۸/۱درصد رشد نسبت به مدت مشابه سال قبل بوده و نسبت به اسفندماه سال گذشته نیز ۳/۵درصد رشد نشان می‌دهد. نتایج بررسی‌های بانک مرکزی نشان می‌دهد، در مردادماه امسال، میزان دارایی‌های خارجی سیستم بانکی به ۸۰۳۲/۸ هزار میلیارد ریال رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۳۲/۷درصد افزایش یافته است.

یکشنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۷ ● شماره صد و هفتاد و سه

ا ت ی و ع ه ن و



«آتیه‌نو» از سیاست‌های ضدتورمی دولت از جمله بسته‌های حمایتی گزارش می‌دهد

عملیات سخت خشتی‌سازی تورم



● مجتبی کاوه ●
● روزنامه‌نگار ●

توزیع بسته‌های حمایتی، یکی از سیاست‌های دولت در حمایت از اقشار کم‌درآمد جامعه به‌شمار می‌رود. بنا به گفته محمدباقرنوبخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه، تاکنون ۲۳۰ هزار میلیارد تومان در قالب سبدهای کالایی به اقشار کم‌درآمدپرداخت شده است. قرار است در مراحل بعدی و تا پایان سال، کارت اعتباری ۱۰۰ هزار تومانی به بیش از نیمی از خانوارهای کشور و به دهک‌های تحت‌پوشش نهادهایی مثل کمیته امداد و بهزیستی نیز، کارت اعتباری ۳۰۰ و ۶۰۰ هزار تومانی خرید کالاهای ضروری تخصیص داده شود. سوال اینجاست که آیا این کارت‌های اعتباری خرید کالاهای اساسی و به طور کلی این بسته‌های حمایتی برای کاهش فشار تورم بر مردم، کاری از پیش می‌برند و آیا دولت باید به‌منظور اصلاح فاصله دستمزد با هزینه‌های زندگی، علاوه بر این بسته‌ها برنامه‌های تکمیلی در نظر بگیرد؟ طی چند ماه گذشته افزایش نرخ تورم و کاهش ارزش پول ملی، قدرت خرید اقشار حقوق‌بگیر را به طرز ملموسی کاهش داده است، گرچه تورمی که در گزارش‌های رسمی دولت به آن اشاره می‌شود با تورمی که مراجعی مثل صندوق بین‌المللی پول از آن خبر می‌دهند متفاوت است و فاصله معناداری دارد. صندوق بین‌المللی پول اخیرا نرخ تورم ایران را تا پایان سال، بیش از ۲۹درصد برآورد کرده، در حالی که منابع رسمی آمار کشور، هنوز در گزارش‌های خود بر تورم زیر ۱۵درصد تأکید دارند. با احتساب اینکه خط‌قفر در شهری مثل تهران طبق نظر صاحب‌نظران اقتصادی به حدود شش میلیون تومان رسیده، قدرت خرید مردم نیز براساس برابری ریال و ارزیابی بین‌المللی تقریباً پنج برابر، کاهش پیدا کرده است. این درست که دولت به‌منظور کمک به رفع مشکلات حاصل از این شرایط، بسته‌های حمایتی در قالب‌های مختلف از جمله کارت‌های اعتباری در نظر گرفته، اما روشن است که بسته‌های تعریف‌شده توسط دولت و رقم آن، جواب‌گوی حداقل نیازهای معیشتی در این شرایط بحرانی نیست. به گفته کارشناسان، با توجه به افزایش چندبرابری قیمت کالاهای اساسی، توزیع کارت‌های اعتباری تأثیرات موثری و مقطعی دارد و به اعتبار این کارت‌ها نمی‌توان از پس هزینه‌های سنگین زندگی برآمد. در حال حاضر، یک کارگر طبق قانون وزارت کار حداقل یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان دستمزد می‌گیرد در حالی که به گفته کارشناسان، مبلغ حداقل دستمزد با هزینه‌های واقعی زندگی ۸۰۰ هزار و حتی یک میلیون تومان فاصله دارد. عقیده صاحب‌نظران و فعالان کارگری بر این است که دولت اگر خواهان حفظ حداقل زندگی برای اقشار دستمزددیگر است باید بسته‌های حمایتی قوی‌تری برای آن‌ها تعریف کند.

● فشار هزینه‌ها و دغدغه تامین ضروری‌ترین نیازها

فتح‌الله بیات، فعال حوزه کارگری، در این خصوص با تأکید بر اینکه دولت‌مدران باید واقعیت افزایش هزینه‌ها، همچنین فشار مضاعف بر مردم را بپذیرند، به «آتیه‌نو» توضیح می‌دهد: «افزایش نرخ تورم، تامین معیشت با استفاده از درآمدهای سابق را غیرممکن کرده است. هزینه زندگی مردم چندبرابر شده در حالی که دستمزد و حقوق، ثابت است. نه از پنگاه‌های

اقتصادی توقع افزایش دستمزد است و نه بسته‌های حمایتی فشار هزینه‌ها بر مردم را کمتر می‌کند. به‌عنوان مثال، بسیاری از افزایش قیمت کالاهای اساسی تحت‌تأثیر افزایش قیمت ارز بوده و بسیاری از بنگاه‌ها به دلیل شرایط رکود تورمی، قادر به تامین مواداولیه موردنیاز خود نیستند. این مسئله ضمن آنکه برخی از بنگاه‌ها را از قوانین بازار کار و پرداخت به‌موقع حقوق فراری داده است، عملاً بسیاری از کارگران را ناگزیر از پذیرش یک سری شرایط سخت کرده است. به طور مثال، برخی از کارگران دریافت حقوق‌های زیر سقف تعیین‌شده یا کار بدون پوشش بیمه را پذیرفته‌اند. با توجه به اینکه دستمزد فعلی به هیچ‌وجه هزینه‌های زندگی کارگران را پوشش نمی‌دهد، می‌توان پیش‌بینی کرد که با شرایط ذکرشده در مواقع بحرانی، کارگران تا چه اندازه متحمل خسارت و زیان می‌شوند. حتی برای بسیاری نیز دغدغه تامین ضروری‌ترین نیازهای حیاتی به طور جد مطرح است.»

● رشد مشاغل کاذب با تبعات اجتماعی سنگین در شرایط تورمی

وی با بیان اینکه کاهش قدرت خرید مردم نه تنها وضعیت معیشتی مردم بلکه امنیت اجتماعی و سلامت آن‌ها را تهدید می‌کند، ادامه می‌دهد: «برای یک خانواده کارگری که با دستمزدهای فعلی قادر به تامین نیازهای اساسی زندگی نیست، تن دادن به یک سری کارها یا مشاغل کاذب، ساده خواهد بود. اگر دولت بداند که چه هزینه سنگینی بعداً بابت اصلاح وضعیت موجود که نتیجه شرایط بحرانی اقتصادی است، می‌پردازد، طبیعتاً نسبت به رفع مشکلات فعلی سریع‌تر گام‌برمی‌دارد یا به دغدغه‌های معیشتی مردم به طور جدی‌تر و با نگاهی واقع‌بینانه‌تر رسیدگی می‌کند. متأسفانه رشد مشاغل کاذب، افزایش رفتارهای ضدبهنجار، همچنین ناراضیاتی‌های



کمک دولت به کارگران در شرایط فعلی جدا از بسته‌های حمایتی، مانند تخصیص خط اعتباری به کارگران برای دریافت تسهیلات وام‌های ارزان ضروری به نظر می‌رسد.

اجتماعی نتیجه همین امر و شرایط تورمی است.»

● ضرورت کمک مستقیم و غیر مستقیم دولت به کارگران

بیات با اشاره به اینکه در کنار بسته‌های حمایتی، حمایت دولت از کارگران، همچنین افزایش دستمزد آن‌ها باید در اولویت قرار بگیرد، ادامه می‌دهد: «در جلسه‌ای که شورای عالی کار با حضور نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولت داشت، هر سه به توافق رسیدند که دستمزد کارگران با هزینه آن‌ها ۸۰۰ هزار تومان فاصله دارد، اما جبران این فاصله نه وظیفه کارفرما، بلکه وظیفه حاکمیت است که در ایجاد شرایط فعلی سهم داشته است. بنابراین کمک مستقیم و غیرمستقیم دولت به کارگران در شرایط فعلی جدا از بسته‌های حمایتی-کمک‌هایی مثل تخصیص خط اعتباری به کارگران برای دریافت تسهیلات و وام‌های ارزان، کمک به تهیه مسکن ارزان‌تر یا یک سری تخفیف‌ها در ارائه و تامین کالای اساسی- ضروری است. برخی هم پیشنهاد کردند که دولت به طور مستقیم، ۸۰۰ هزار تومان

را به حساب کارگران واریز کند که البته به نظر می‌رسد دولت و مسئولان به دلیل اثرات تورمی و فشارهای مالی موجود از این کار، اجتناب می‌کنند.» وی با بیان اینکه بسته حمایتی دولت باید قوی‌تر از چیزی باشد که اعلام شده، تصریح می‌کند: «بررسی‌ها نشان می‌دهد با وجود آنکه دولت و بانک مرکزی برای تامین کالاهای اساسی، ارز یارانه‌ای با قیمت ۴۲۰۰ تومان در نظر گرفته‌اند، اما در عمل، تأثیر این ارز بر بهبود معیشت اقشار حقوق‌بگیر به دلیل سوءاستفاده برخی دلال‌ها در تامین کالاهایی اساسی و به‌خاطر افزایش سرسام‌آور هزینه‌های حاشیه‌ای برای تولید، به چشم نمی‌آید. قدرت خرید کارگران بیش از ۷۰درصد کاهش پیدا کرده و مبلغ ۱۰۰ هزار تومان



کتینو | ۰۷

داستان جلد COVERSTORY

در بسته حمایتی دولت حتی قدرت خرید یک کیسه برنج را به مردم نمی‌دهد.»

● ۱۰۰هزار تومان پاسخ‌گوی هزینه یک روز خانواده نیست

بیژن عبدی، کارشناس اقتصادی نیز با بیان اینکه خشتی کردن فشار تورم بر اقشار دارای درآمد ثابت به‌وسیله بسته‌های حمایتی، سیاست درستی است که باید به‌صورت اصولی اجرا شود، به «آتیه‌نو» توضیح می‌دهد: «اگر هزینه‌های زندگی مردم و رشد قیمت‌ها را در نظر بگیریم یک خانواده چهارنفره در روز، حداقل ۲۰۰ هزار تومان برای تامین هزینه خوراک و هزینه حمل‌ونقل و... نیاز دارد. در حالی که ۱۰۰ هزار تومان بسته حمایتی دولت حتی جواب‌گوی هزینه یک روز زندگی خانواده‌ها نیست، با فرض اینکه این کارت در سال چند بار شارژ شود باز هم اثری ملموس در رفع مشکلات معیشتی مردم ندارد.» وی با توضیح اینکه نرخ تورم افزایش داشته و به بالای ۴۰درصد رسیده است، می‌گوید: «آمارها هم نشان داد با افزایش نرخ تورم، فاصله دهک‌های درآمدی افزایش پیدا کرده و حتی افزایش نرخ تورم به ضرر خانواده‌های ضعیف‌تر رقم خورده است. تأثیر مبلغ ۴۵ هزار تومان یارانه‌ای که دولت به‌صورت ماهانه به مردم می‌دهد از هزینه مردم بابت پول ماهانه برق و آب هم کمتر است. این بدین معناست که در حال حاضر دولت هیچ یارانه‌ای به مردم نمی‌دهد و از این بابت که یارانه برخی از کالاهای اساسی را از مردم به دلیل پرداخت ۴۵ هزار تومان از آن‌ها گرفته، سهم اقشار ضعیف در ذخایر ملی را نادیده گرفته است. بسته‌های حمایتی که دولت تاکنون تعریف کرده، حداقلی و ناچیز است و از طرفی ثابت و ماندگار نیست، بنابراین اثر آن نیز کوتاه‌مدت است.»

● روش‌هایی که می‌توان با آن‌ها بسته‌های حمایتی را تامین مالی کرد

عبدی با اشاره به ضرورت ورود دولت به اصلاح دستمزد کارگران، ادامه می‌دهد: «اگرچه دخالت دولت در اقتصاد کشور موچد شرایط فعلی است، اما به ناچار لازم است بخشی از هزینه‌های کارگران با کمک دولت کاهش پیدا کند. سهم دولت را از شرایط کنونی اقتصاد نمی‌توان نادیده انگاشت بر همین اساس مسئولیت دولت در قبال پرداخت درصد بیشتر حقوق به کارگران با کمک به آن‌ها در این شرایط، ضروری است.» وی با اشاره به روش‌های تامین مالی بسته‌های حمایتی، تصریح می‌کند: «یک مورد از کارهایی که دولت می‌تواند از طریق آن، درآمدهایی کسب و به نفع اقشار ضعیف هزینه کند، تلاش برای افزایش درآمدهای مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیاتی است. در این شرایط تحمیل مالیات به دلال‌های سکه و ارز از طریق بررسی تراکنش‌های بانکی، تحمیل مالیات به خانه‌های خالی برای افزایش عرضه مسکن و کاهش اجاره‌بها، همچنین حسابرسی‌های بیشتر برای دریافت مالیات و ایجاد شفافیت بیشتر برای شناسایی فراریان مالیاتی، ضروری است. افزایش درصدی از درآمدهای مالیاتی دولت می‌تواند، صرف تامین معیشت مردم و گروه‌های ضعیف‌تر شود، اما متأسفانه اقتصاد دلالی و رانتی مجالی برای پرداختن به این مسئله‌مهم نگذاشته است به همین دلیل طرح ضرورت مالیات‌ستانی از سود و درآمد بسیاری از فعالیت‌های دلالی و خانه‌های خالی به‌رغم تأکید کارشناسان مسکوت مانده است.»

یادداشت

● محمود حقیقی نئاری فرد ●

بسته‌های حمایتی مُسکن موقت است

اقتصاد ایران بنا به آخرین گزارش صندوق بین‌المللی پول، شرایط سختی پیش رو دارد و پیش‌بینی رشد اقتصادی امسال نزدیک به صفر و رشد اقتصادی دو سال آینده نیز بنا به گزارش این نهاد جهانی، منفی خواهد بود، این در حالی است که افزایش حقوق و دستمزد نیازمند رشد اقتصادی بالا و رونق است. در این شرایط بسته‌های حمایتی، درمان نیست، بلکه حالت مسکنی دارد که در بلندمدت اثر آن از میان خواهد رفت. نقطه‌ضعف بسته‌های حمایتی از دیدگاه اقتصاد کلان این است که این راهکارها نه تنها قادر به حل مسائل نیست، بلکه به دلیل اینکه در ازای آن، تولیدی صورت نمی‌گیرد و دولت باید هزینه آن را از محل درآمدهای نفتی بپردازد، تورم‌زاست.

این تورم در زمان‌هایی که وضعیت ارزی کشور به‌واسطه وفور دلارهای نفتی مساعد است با عوامل دیگر سرکوب می‌شود، ولی اکنون با شرایط تحریمی، دیگر نمی‌توان با غیرفعال کردن برخی بخش‌های اقتصاد و تزریق ارز ارزان به بازار، تورم را سرکوب و پنهان کرد. بسته‌های حمایتی برای کوتاه‌مدت و فقط برای اقشار بسیار ضعیف باید مورد استفاده قرار گیرد و آن هم فقط در قالب کالا و نه هیچ‌گونه نقدینگی. برای فروش یک کالا یا توزیع متناسب و کافی آن بین متقاضیان، سرمایه و امکانات مناسب اقتصادی موردنیاز است. کارفرما کالایی تولید می‌کند تا در ازای آن، پولی بگیرد در حالی که توزیع کالا در روش بسته‌های حمایتی، به معنی پول باآورده‌ای است که در نتیجه افزایش حقوق و درآمد با رشد بنگاه حاصل نشده است. اگر حقوق‌های واقعی که منظور از آن، حقوق‌های عادلانه نیست، افزایش پیدا می‌کرد، یعنی اقتصاد رشد داشته و برآیند این رشد، خلق درآمدهای بیشتر برای کارفرمایان و به تبع آن، بالا رفتن حقوق کارگران بود، اما وقتی شورای عالی کار عملاً با افزایش دستمزد‌ها در این شرایط بحرانی مخالف است، یعنی کارخانجات توان پرداخت ندارند و در عمل تصویب قانونی برخلاف سود و درآمد واقعی کارخانجات، بر ضد خود کارگر تمام می‌شود.

اقتصاد کشور مشکلات جدی دارد و ما باید به دنبال راه‌های درمانی برای اقتصادمان باشیم که ماندگار و دائمی باشد. وقتی بنا به محاسبه نمایندگان کارگران حداقل دستمزد حدود دو میلیون است و کارفرما قادر به پرداخت آن نیست، یعنی بنگاه‌ها بازدهی و بهره‌وری ندارند. ما برای رفع مشکل بهره‌روی چه کاری کرده‌ایم؟

در یک اقتصاد آسیب‌خورده و در حال التهاب مثل اقتصاد ما، توزیع کارت‌های اعتباری مازاد بر حقوق کارگران یعنی کمک غیرمستقیم به افزایش نرخ تورم. راه تسکین و درمان قطعی حل مشکلات اساسی کشور رسیدن به رونق اقتصادی از مسیر تولید است. رفع نیازهای اساسی معیشت طبقات و بهره‌ور کردن سرمایه‌های انسانی میسر است نه با بسته‌های حمایتی ۱۰۰ هزار تومانی دولت، اما شرایط کنونی به گونه‌ای است که کارخانجات به‌سادگی سرمایه‌های انسانی خود را از دست می‌دهند، چرا که از تامین مواداولیه و تولید ناتوان هستند، بنابراین اگر قرار است دولت فکری برای درمان مسائل اقتصادی داشته باشد باید اول مشکلات بنیادی اقتصاد کشور را حل کند. برای مثال، قانون رفع موانع تولید یا تسهیل کسب‌وکار که با تلاش بسیار به تصویب رسید چرا در یک موضوع آن که همگان هم بر اهمیتش صحه گذاشته‌اند- یعنی ممنوع‌شدن واردات کالای دارای مشابه داخلی- اجرایی نمی‌شود یا با اهمال اجرا می‌شود؟

بسته‌های حمایتی و سایر ابزار کمکی به اقشار ضعیف تنها اعطای فرصتی دوباره به دولت برای جبران مسائل و مشکلات است و اگر خواهان حل مشکلات به‌صورت اساسی هستیم باید مسائلی از این دست را حل کنیم.

کارشناس اقتصادی

نقش بسته‌های حمایتی در اطمینان بخشی به دهک‌های پایین

کوچک به‌بازار اقلام اساسی برای خرید و ذخیره‌سازی برخی کالاهای اساسی است که موجب اخلال در سیستم توزیع و فروش این اقلام و ایجاد تنش روانی در مردم می‌شود. این چرخه‌ای است که در صورت بی‌برنامگی دولت می‌تواند همچنان ادامه پیدا کند و کارگران با احساس بی‌اعتمادی به آینده، پس اندازه‌ای اندک خود را هم به خرید مایحتاج اختصاص داده و تقاضای کاذب در بازار ایجاد کنند. اگر بسته‌های حمایتی به‌موقع و دقیق به دست این طبقات برسد، حس اطمینان به آینده در آن‌ها تقویت می‌شود و نیازی به انبار غیرمنطقی اقلام موردنیاز خود نمی‌بینند. آنچه دولت

باشد که از کاهش تقاضا لطمه نینند و اقلام تولیدی خود را به قیمت تعیین‌شده توسط دولت در کانال‌های مشخص به مصرف‌کنندگان، عرضه کنند. سازمان‌هایی که عموماً به‌عنوان واسطه انتقال این کالاها به مصرف‌کنندگان عمل می‌کنند باید در توزیع بسته‌های حمایتی از سازوکارهای دقیق و منظم استفاده کنند تا این اقلام سر از بازار آزاد درنیابود. این تجربه‌ای است که پیش از این، وجود داشته و لازم است در شرایط کنونی اتفاقات گذشته تکرار نشود. یکی از مشکلاتی که به نظر می‌رسد دولت در شرایط جنگ اقتصادی با آن مواجه شود، هجوم تقلیدنگی‌های بسیار



● یادداشت ●
● سپیده کاوه ●

بسته‌های حمایتی اگر به‌صورت هوشمندانه تعریف و اجرا شود، در دهک‌های پایین که قدرت خرید آن‌ها به سبب تورم، دچار افت شدید شده، ایجاد اطمینان خواهد کرد و از این لحاظ سیاست حمایتی خوبی به‌شمار می‌رود. کاهش قدرت خرید این طبقات بیشترین تأثیر خود را در کالاهای اساسی مثل گوشت‌قزم مرغ، لبنیات و برنج نشان می‌دهد و این بسته‌ها می‌تواند نوعی سوپرسید به تولیدکنندگان داخلی

کارشناس اقتصادی